

Jurisprudential review and analysis of the method of repentance

verification approved in 1403

With an emphasis on the Qur'an and hadiths

Mojtaba Faegh¹  | Mohammad Roshan² 

1. **Corresponding Author** Department of Family, University of Shahid Beheshti, Tehran, Iran. E-mail: M_faegh@sbu.ac.ir (0009-0005-0339-5874)

2. Department of Family, University of Shahid Beheshti, Tehran, Iran. E-mail: M-Roshan@sbu.ac.ir (0000-0003-3283-9268)

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article	Repentance is a religious, jurisprudential, moral, theological and legal principle and concept, and it is one of the established concepts in jurisprudence, which was introduced from the foundations of jurisprudence to the penal laws of the Islamic Republic of Iran and independently approved in the country's criminal law system, in the Islamic Penal Code. 2012 has been emphasized. In July 1403, the procedure for verifying repentance was announced by the head of the judiciary, which indicates the importance of this principle. Examining and analyzing the nine materials of this manual based on Quranic, narrative and jurisprudential principles and foundations in order to resolve some ambiguities, pathology and provide practical and practical solutions to improve this manual requires the necessity of the present research. In a descriptive-analytical way, this research examines and criticizes the method of repentance based on authentic religious sources such as the Qur'an, hadiths, and jurisprudence texts. The most important findings of the current research are that the method of repenting, which is actually the executive order of articles 114 to 119 of the Islamic Penal Code, is in accordance with the opinion of some jurists, not all of them, and the articles of this method are only rooted in It has rules governing judicial courts and has no jurisprudential basis.
Article history:	
Received	
Received in revised form	
Accepted	
Published online	
Keywords: <i>Repentance, how to verify repentance, Qur'an, hadiths, jurisprudence.</i>	
Cite this article: Faegh, Mojtaba., & Roshan, Mohammad., (2024). <i>Jurisprudential review and analysis of the method of repentance verification approved in 1403</i> <i>With an emphasis on the Qur'an and hadiths</i> , 56 (1), 1-20. DOI: http://doi.org/JORR-202409-1009522 (R1)	
	
© The Author(s). Publisher: University of Tehran Press. DOI: http://doi.org/JORR-202409-1009522 (R1)	

بررسی و تحلیل فقهی شیوه‌نامه احراز توبه مصوب ۱۴۰۳ با تأکید بر قرآن و روایات

مجتبی فائق | محمد روشن^۲

۱. نویسنده مسئول، پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران، رایانامه: M_faegh@sbu.ac.ir (۰۰۰۹-۰۰۰۵-۰۳۳۹-۵۸۷۴)
۲. پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران رایانامه: M-roshan@sbu.ac.ir (۰۰۰۰-۰۰۰۳-۳۲۸۳-۹۲۶۸)

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

توبه یک اصل و مفهوم دینی، فقهی، اخلاقی، کلامی و حقوقی و از مفاهیم تأسیسی در فقه است که از مبانی فقه به قوانین مجازات جمهوری اسلامی ایران وارد شده و به‌طور مستقل در نظام حقوق کیفری کشور، در قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲ بر آن تأکید شده است. در تیرماه ۱۴۰۳، شیوه‌نامه احراز توبه توسط ریاست قوه قضاییه ابلاغ شد که این مهم بر اهمیت این اصل دلالت می‌کند. بررسی و تحلیل مواد نگهدارنده این شیوه‌نامه بر مبنای اصول و مبانی قرآنی، روایی و فقهی برای رفع برخی از ابهامات، آسیب‌شناسی و ارائه پیشنهادها پژوهشی برای بهبود این شیوه‌نامه، ضرورت پژوهش حاضر را ایجاد می‌کند. این تحقیق با شیوه توصیفی-تحلیلی به بررسی و نقد شیوه‌نامه احراز توبه بر مبنای منابع اصیل دینی، مانند قرآن، روایات و متون فقه پرداخته است. از مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش، اینکه شیوه‌نامه احراز توبه که در واقع دستورالعمل اجرایی مواد ۱۱۴ تا ۱۱۹ قانون مجازات اسلامی است، منطبق بر نظر برخی از فقهاست، نه همه آنها، و موادی از این شیوه‌نامه هم فقط در ضوابط حاکم بر محاکم قضایی ریشه دارد و هیچ اساس فقهی ندارد.

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

تاریخ بازنگری:

تاریخ پذیرش:

تاریخ انتشار:

کلیدواژه‌ها: توبه، شیوه‌نامه احراز توبه، قرآن، روایات، فقه.

استناد: فائق، مجتبی، روشن، محمد، (۱۴۰۳)، بررسی و تحلیل فقهی شیوه‌نامه احراز توبه مصوب ۱۴۰۳ با تأکید بر قرآن و روایات
عنوان مجله، ۲ (۴)، ۲۰-۱.

DOI: <http://doi.org/JORR-202409-1009522> (R1)



© نویسندگان.

DOI: <http://doi.org/JORR-202409-1009522> (R1)

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

مقدمه

توبه یکی از موضوعات مشترک میان علم اخلاق، کلام، عرفان، فقه و حقوق است که کارشناسان هر حوزه با عنایت به رویکرد ویژه‌ای که دارند، مفهوم آن را بررسی می‌کنند. توبه، ۸۷ بار در قرآن کریم، و در متون اسلامی به مفهوم بازگشتن از گناهان آمده است. فقها بر مبنای ادله قرآنی و روایی، جایگاه ویژه‌ای برای توبه دانسته‌اند. امروزه این مفهوم یکی از مسائل مهم حقوق کیفری در نظام عدالت اصلاحی است که بر اصلاح مجرمان به جای مجازات آنها تأکید دارد. یکی از مهم‌ترین و اثرگذارترین راهکارهای رسیدن به اهداف حقوق جزایی، افعال داوطلبانه‌ای است که مجرمان بدون اعمال فشار پیرامونی، برای اصلاح آثار جرم ارتكابی و اصلاح مسیر زندگی خود انجام می‌دهند. قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲، با نگاه به تعالیم شرعی و فقهی، به تأثیر توبه در اسقاط احکام کیفری توجه کرده است. افزون بر این، شیوه‌نامه احراز توبه، مصوب ریاست قوه قضاییه در تیرماه ۱۴۰۳، که دستورالعمل اجرایی مواد ۱۱۴ تا ۱۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ است، با هدف تسهیل و راهبری قضات و ضابطین قضایی، ویژگی‌ها و شرایط پذیرش توبه از سوی محاکم قضایی را پیش‌چشم آورده است. در آموزه‌های قرآنی، روایی و فقهی، بر مفهوم توبه، شرایط تائب و پذیرش توبه تأکید شده است. بررسی و تحلیل شیوه‌نامه احراز توبه با نگاه به منابع اصیل اسلامی و واکاوی قرآنی، روایی و تبیین آرای فقها در اثری مستقل بررسی نشده است که این مسئله، ضرورت پژوهش در این باره را آشکار می‌نماید.

اهداف و سؤالات پژوهش

شرایط پذیرش توبه در قانون مجازات اسلامی به صراحت تبیین نشده است. بنابراین، شیوه‌نامه احراز توبه تدوین و ابلاغ شد. هدف پژوهش پیش‌رو، تحلیل و نقد این شیوه‌نامه بر اساس مبانی دینی و واکاوی دیدگاه قرآن، روایات و فقه نسبت به توبه و شرایط پذیرش آن است. از این رو، مهم‌ترین سؤالات این پژوهش چنین است:

- مفهوم اصطلاحی تطبیق‌پذیر توبه در قرآن، روایات و منابع فقهی کدام است؟
- شرط پذیرش توبه مجرمان بر اساس آرای فقهی، اظهار است یا احراز؟
- چه نقدهایی بر شیوه‌نامه احراز توبه بر مبنای نظرات و دیدگاه‌های فقها وارد است؟

فقهای امامیه درباره جایگاه توبه در سقوط حدود شرعی اتفاق نظر دارند، ولی در موضوع شرایط پذیرش توبه در محاکم قضایی و در جرایم گوناگون میان آنها اختلاف نظر است. با بررسی و تحلیل آرای فقهی دریافت می‌شود که اصول حقوق کیفری و شیوه‌نامه احراز توبه از دیدگاه‌های گروهی از فقها استنباط شده است.

پیشینه پژوهش

جایگاه توبه در آموزه‌های اسلامی بسیار والاست به‌طوری که در بیشتر آثار و کتب روایی، ابواب یا کتاب‌هایی با عنوان «التوبه» نوشته شده است. افزون بر این، آثاری مستقل در گرایش‌های اخلاقی، عرفانی و حقوقی چاپ شده است که می‌توان کتاب‌های التوبه الی الله و مکفرات الذنوب نوشته امام محمد غزالی، التوبه و التائبون نوشته مهدی فتلاوی، فرهنگ‌نامه توبه نوشته محمد محمدی ری‌شهری، توبه نوشته شهید مرتضی مطهری، توبه و استغفار از دیدگاه قرآن و روایات نوشته ابوالقاسم

کردستانی را نام برد. افزون بر این، مقالات بسیاری دربارهٔ رویکرد فقهی و حقوقی به موضوع توبه نوشته شده است که بهترین آن‌ها چنین است: «توبه و آثار آن در اندیشهٔ امام علی (ع) از منظر نهج البلاغه»، نوشتهٔ نازسی ساکی و کوثر سعدی، «استغفار و توبه از منظر قرآن و نهج البلاغه»، نوشتهٔ عباس یوسفی تازه‌کندی و حدیث شهرکی، «جایگاه نهاد توبه در سقوط مجازات حد از منظر فقه و قانون»، نوشتهٔ علی آقاپور و یعقوب پورجمال، «مبانی کلامی و فقهی توبه در حقوق کیفری اسلام»، نوشتهٔ محمدحسین فضائلی، «تأملی بر مقررات توبه در قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲»، نوشتهٔ احمد حاجی‌ده‌آبادی و محمد رجبی، «مقررات ماهوی و شکلی توبه در نظام قانونگذاری کیفری ایران»، نوشتهٔ محمود صابر و علی رفیع‌زاده، و «توبه مجرم در فقه مقارن و حقوق جزا»، نوشتهٔ محمدعلی طاهری و جهاندار امینی. مقالات یادشده در سه دسته جا می‌گیرند: نخست، مقالاتی که فقط به موضوع توبه در قرآن و روایات پرداخته‌اند؛ دوم، مقالاتی که به مبانی فقهی پیرامون توبه پرداخته؛ و سوم، مقالاتی که به تطبیق مواد قانون مجازات اسلامی بر مبانی روایی و فقهی پرداخته‌اند و هیچ‌گونه نقد و تحلیلی نسبت به موضوع ارائه نمی‌دهند. وجه تمایز پژوهش پیش‌رو با آثار یادشده، هم جنبهٔ مستحدث بودن عنوان آن که به شیوه‌نامهٔ احراز توبه، مصوب ۱۴۰۳ پرداخته، و هم جنبهٔ تحلیل و نقد این شیوه‌نامه بر مبنای اقوال و نظرات فقهاست.

محدوده و قلمرو مورد مطالعه

در این پژوهش، مفهوم توبه در آیات قرآن، روایات معصومان، فقه اهل سنت از فقه‌های متقدم و آثار روایی و فقهی نظیر سنن ترمذی و ابن‌ماجه و فقه شیعه هم از آثار متقدمین نظیر ابن‌بابویه (شیخ صدوق)، شیخ مفید و سید مرتضی و... تا امروز، بررسی شده است.

روش و ابزار پژوهش

در پژوهش پیش‌رو که با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و نرم‌افزارهای قرآنی، روایی و فقهی مانند جامع‌التفاسیر، جامع‌الاحادیث، جامع‌الفقه، القاموس و نور سامان یافته، به بررسی قرآنی، روایی و فقهی پیرامون مفهوم توبه و شرایط پذیرش آن، پرداخته شده است.

واژه‌شناسی توبه

«توبه» مفهومی است که در رشته‌های گوناگون علوم اسلامی آمده و به بازگشت بنده به سوی خداوند دلالت می‌کند و به طور خاص دربارهٔ بازگشت از گناهان به کار می‌رود (ابن‌فارس، بی‌تا، ۳۵۷/۱). ریشهٔ لغوی توبه، از «ت و ب» گرفته شده و در لغت عرب معنای اصلی این ریشه، «بازگشتن» است (ابن‌منظور، بی‌تا، ۲۳۳/۱). اینکه گروهی از لغویون، توبه را به معنای بازگشت از گناه گرفته‌اند، نوعی کاربرد عام در معنی خاص است (ابوهلال، ۱۳۵۳ق، ۱۹۴-۱۹۵؛ جوهری، ۱۳۷۶ق، ۹۲/۱؛ ابن‌منظور، بی‌تا، ۲۳۳/۱). مفهوم اصطلاحی توبه به طور عام، در علوم مختلف هم، ناظر به «بازگشتن» است. آن‌چنان‌که بیشتر مفسران، مانند خطابی و حلیمی (ابن‌حجر، ۱۳۷۹ق، ۱۰۴/۱) و محدثانی مانند طوسی (طوسی، ۱۳۸۳ق، ۱۶۹/۱؛ ابن‌جوزی، ۱۴۰۴ق، ۷۰/۱؛ راغب، ۱۴۱۲ق، ۱۶۹)، فقیهانی مانند نووی (نووی، ۱۴۱۷ق، ۱۰۸/۲۰؛ قرطبی، ۱۹۷۲م، ۳۲۴/۱)، متکلمانانی مانند ماتریدی (ماتریدی، ۱۴۰۴ق، ۱۲۰) و ابن‌فورک (ابن‌فورک، ۱۹۸۶م، ۱۶۶) و عارفانی مانند ابوالعباس ابن‌عطا (خطیب بغدادی، ۱۳۴۹ق، ۲۳۰/۵) و قشیری (قشیری، بی‌تا، ۴۵)، توبه را بر پایهٔ «بازگشتن»، تفسیر کرده‌اند. مفهوم توبه در قرآن کریم و احادیث معصومان به طور گسترده‌ای بیان شده

است و در دوره شکل‌گیری علوم اسلامی، در شاخه‌های مختلف آن، از فقه و کلام تا اخلاق و عرفان، وارد شده است. مفهوم اصطلاحی توبه در علم کلام، به معنای پشیمانی از گناه و خطا و موجب برطرف شدن عقاب و عذاب است (ابن‌بابویه، ۱۴۱۵ق، ۳۸۰/۴؛ مفید، ۱۴۱۰ق، ۸۵). یکی از مباحث برجسته در علم کلام پیرامون توبه، شرایط تحقق آن یعنی پشیمانی است. برخی از علما، مطلق آن را مدنظر گرفته‌اند (مفید، ۱۴۱۰ق، ۸۵؛ جوبنی، ۱۴۰۵ق، ۳۳۸) و گروهی دیگر، پشیمانی از معصیت و فعل قبیح را مقید دانسته‌اند (قاضی عبدالجبار، ۱۳۸۵ق، ۳۵۰/۱۴؛ بغدادی، ۱۹۷۷م، ۱۷۵؛ آمدی، ۱۳۹۱ق، ۳۱۳؛ علامه حلی، ۱۳۹۹ق، ۴۴۵) و شرط دیگر، عزم بر ترک و تکرار نکردن فعل است (قاضی عبدالجبار، ۱۳۸۵ق، ۳۵۰/۱۴؛ بغدادی، ۱۹۷۷م، ۱۷۵؛ آمدی، ۱۳۹۱ق، ۳۱۳؛ علامه حلی، ۱۳۹۹ق، ۴۴۵). مفهوم اصطلاحی توبه نزد عرفا، پشیمانی از گناه، تصمیم به بازگشت به سوی خداوند، ترک بدی‌ها و گناهان و پرداخت حقوق دیگران است (قشیری، بی‌تا، ۴۷؛ جرجانی، ۱۳۲۵ق، ۶۳) و نیز عرفا، توبه را نخستین مقام از مقام‌های سیر و سلوک می‌دانند (قشیری، بی‌تا، ۴۵؛ سهروردی، ۱۴۰۳ق، ۴۷۵-۴۷۶؛ سراج، ۱۳۸۰ق، ۶۸). از منظر عارفان، انسان تائب، کسی است که طاعات دینی همچون نماز و روزه را همواره با ریاضت به جای آورد و مقید به شریعت باشد (محاسبی، ۱۹۸۶م، ۲۲۲-۲۲۴). ارکان توبه نزد عرفا چنین است: معرفت، ندامت و عزم و اراده برای پرهیز از تکرار جرم و گناه (غزالی، ۱۳۱۹ش، ۴۰/۴). امام خمینی (ره) ندامت و پشیمانی از گناهان و تقصیرات گذشته را رکن نخست توبه و عزم بر عدم بازگشت برای همیشه را دومین رکن آن معرفی می‌کند که این دو به منزله مقدمات ذاتی برای توبه است (خمینی، ۱۴۱۳ق، ۲۳۵).

توبه در قرآن

ریشه «ت و ب» در قرآن به صورت‌های مختلف آمده است؛ مانند ثلاثی مجرد «تَابَ يَتُوبُ» که با حرف جرّ «علی» اشاره به توبه پذیرفتن و فاعل آن خداوند است (بقره/۳۷)، با حرف جرّ «الی» که اشاره به توبه کردن و مجرور الی خداوند است (فرقان/۷۱). در کاربردهای دیگر نیز این فعل به معنای توبه کردن به کار رفته است (هود/۱۱۲). صیغه مبالغه «تَوَّابٌ» به عنوان نامی از اسماء الله بارها به معنای بسیار توبه‌پذیرنده در قرآن آمده است (بقره/۳۷)، در حالی که فقط در یک آیه، تَوَّابٌ به معنای توبه‌کننده آمده و به انسان اطلاق شده است (بقره/۲۲۲). در برخی از کاربردهای قرآنی، توبه الهی در ارتباط با توبه انسانی است؛ یعنی چون کسی توبه کند، خداوند توبه‌پذیر است (نساء/۱۶ و مائده/۳۹). در آیات مختلف قرآن کریم، توبه خداوند در عرض عفو (بقره/۱۸۷؛ شوری/۲۵)، هدایت (طه/۱۲۲) و تبیین (نساء/۲۶) قرار گرفته است. همچنین پذیرش توبه بارها مقابل عذاب الهی مطرح شده است (آل عمران/۱۲۸) که در این حالت به معنای بازگرداندن عذاب است. رابطه توبه با استغفار و بخشیده شدن گناهان که در برخی از آیات آمده، ناظر به بازگرداندن عذاب است (مائده/۷۴؛ هود/۳، ۵۲، ۶۱، ۹۰؛ غافر/۳).

توبه در فرهنگ قرآنی، همواره مستلزم انجام گناه نیست. در قرآن آمده است که خداوند از پیامبر (ص) و مهاجران و انصاری که از او پیروی کردند، «توبه پذیرفت» (توبه/۱۱۷)، بدون آنکه سخن از گناهی باشد. در آیات قرآن، آنجا که فاعل توبه، انسان است، توبه با ایمان (اعراف/۱۵۳) و عمل صالح (مائده/۳۹) همراه می‌شود و توبه با تبیین با فاعل انسانی در یک آیه دیده می‌شود (بقره/۱۶۰). در برخی از آیات قرآن کریم توبه با اسلام (احقاف/۱۵؛ تحریم/۵)، با اخلاص دین (نساء/۱۴۶) و پیروی راه خدا (غافر/۷) آمده است، در حالی که آیات متعددی وجود دارد که در آن‌ها توبه انسانی در کنار دست‌های از اعمال عبادی مانند اقامه نماز و دادن زکات قرار گرفته است (بقره/۲۸؛ توبه/۵، ۱۱، ۱۰۴، ۱۱۲؛ تحریم/۵). در مجموع از مباحث مذکور این گونه به دست می‌آید که توبه، هم جنبه اعتقادی و هم جنبه عبادی دارد. شرط پذیرش توبه بر اساس آیات قرآن به افرادی تعلق

می‌گیرد که به عمل نادرستی در اثر نادانی دست بزنند و به‌زودی «توبه» کنند؛ اما کسانی که جرم و گناه انجام می‌دهند تا مرگ آنان فرارسد و آنگاه می‌گویند که اکنون توبه کردم، توبه آنها پذیرفته نیست (نساء/۱۷-۱۸). افزون بر آنچه یاد شد، در قرآن کریم توبه، با و صف «نصوح» آمده است (تحریم/۸). این واژه از ماده «نصح» به معنای پاک و خالص (ابن سیده، بی‌تا، ۱۵۷/۳؛ زمخشری، بی‌تا، ۶۳۵)، یا به معنای بادوام، باثبات (ازهری، بی‌تا، ۱۴۶/۴؛ جوهری، ۱۳۷۶ق، ۴۱۱/۱) است. توبه نصوح توبه‌ای است که توبه‌کننده در آن قصد دوام و پایداری دارد (طبری، ۱۴۰۵ق، ۱۶۸/۲۸؛ کلینی، ۱۳۹۱ق، ۴۳۲/۲؛ راغب، ۱۴۱۲ق، ۸۰۸؛ طبرسی، ۱۴۱۵ق، ۶۲/۱۰-۶۳؛ قرطبی، ۱۹۷۲م، ۲۲۷/۸، ۱۹۷/۱۸).

توبه در روایات

از دیدگاه امام علی (ع) توبه مراتبی دارد. در کتاب شریف نهج البلاغه چنین آمده است: «... (استغفار) شش معنا دارد: نخست پشیمانی از آنچه گذشت؛ دوم تصمیم به عدم بازگشت؛ سوم پرداختن حقوق مردم چنان‌که خدا را پاک دیدار کنی که چیزی بر عهده تو نباشد؛ چهارم تمام واجب‌های ضایع ساخته را به جا آوری؛ پنجم گوشتی که از حرام بر اندامت روییده، با اندوه فراوان آب کنی، چنان‌که پوست به استخوان چسبیده گوشت تازه بروید؛ ششم رنج طاعت را به تن بجشانی چنان‌که شیرینی گناه را به او چشاندۀ بودی...» (نهج البلاغه، حکمت ۴۱۷)

پس، بر اساس تعالیم علوی (ع) توبه شش مرتبه دارد و از بیان حضرت (ع) به فردی که بدون قصد اصلاح و فقط به صورت لقلقه زبانی، استغفار می‌کرد، چنین به دست می‌آید که پذیرش توبه هم مراتبی دارد. در روایت دیگری از امام صادق (ع) آمده که یکی از یاران درباره حکم کسی که جرمی مرتکب شده و خودش پیش از دستگیری توبه می‌کند، می‌پرسد و ایشان می‌فرماید که اگر صالح گردیده و از او کار نیکو و شایسته دیده شود، حد بر او جاری نمی‌شود (حرعاملی، ۱۴۱۶ق، ۳۷).

علاوه بر این، در روایات بسیاری، بر جایگاه توبه تأکید شده است. در حدیثی نبوی آمده که توبه دری دارد که پهنای آن به اندازه وسعت مشرق تا مغرب است و تا خورشید از مغرب طلوع نکند این در بسته نمی‌شود (پاینده، ۱۳۶۳، ۱۷۷). علاوه بر این در روایت دیگری از پیامبر اعظم (ص) آمده که در توبه دری است که مسافت عرض آن ۴۰ (یا ۷۰) سال راه است و تا آستانه قیامت بسته نمی‌شود (ترمذی، ۱۳۵۷ق، ۵۴۵-۵۴۶؛ احمد بن حنبل، ۱۳۱۳ق، ۲۴۱/۴). هم‌چنین با توجه به آیه ۱۸ از سوره نساء بر این نکته چنین تأکید شده است: تا آنگاه که نفس انسان به حلقوم نرسیده و در آستانه مرگ قرار نگرفته باشد، خداوند توبه او را می‌پذیرد (ترمذی، ۱۳۵۷ق، ۵۴۷/۵؛ ابن‌ماجه، ۱۹۵۲م، ۱۴۲۰/۲). برخی از مفسران معتقدند که نزدیکی مرگ، بازدارنده از توبه نیست. آنچه مرز پایانی پذیرش توبه است، مشاهده احوالی است که در آن هنگام علم به خداوند، از روی اضطراب حاصل می‌شود (سید مرتضی، ۱۴۱۵ق، ۲۳۴؛ فخرالدین رازی، بی‌تا، ۷۱/۱۰). با وجود توصیه مؤکد بر احتراز از تکرار گناه، در روایات بر این نکته نیز تکیه شده است که انسان هرگز نباید از رحمت خداوند مأیوس شود و با وجود تکرار گناه، هیچ‌گاه نباید در توبه را بر خود بسته ببیند (کلینی، ۱۳۹۱ق، ۴۳۴/۲).

پس با عنایت به تأکید روایات، باب توبه هیچ وقت بسته نیست با وجود اینکه پذیرش آن علاوه بر مرتبه لسانی دارای مراتب قلبی عملی است.

توبه در فقه امامیه و اهل سنت

در منابع فقهی مذاهب اسلامی، بر وجوب توبه از گناهان تأکید شده است و اینکه توبه باید در اولین زمان ممکن اتفاق بیفتد، به اتفاق نظر علما، واجب است (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ۸/۱۰؛ نجفی، ۱۳۹۴ق، ۱۶۸/۳۳؛ ابن عبدالسلام، بی تا، ۱/۱۸۸؛ ابن تیمیه، بی تا، ۲۱۵/۲۳؛ نووی، ۱۴۰۵ق، ۲۴۹/۱۱).

درباره اثر توبه، فقیهان معتقدند کسی که مرتکب گناهی شده و حد بر او جاری شده است، در صورت توبه، بنا بر قول مشهور، به عدالت بازمی گردد و می تواند مناصب‌هایی مانند امامت جماعت را به عهده گیرد (علامه حلی، ۱۴۱۲ق، ۶۱/۳؛ شافعی، بی تا، ۱/۱۶۸). درباره پذیرش توبه، دو جایگاه مدنظر است: یکی پذیرش توبه توسط خداوند؛ و دیگری پذیرش توبه نزد خلق. فقها درباره شرایط پذیرش توبه نزد خداوند سکوت کرده‌اند. حتی در جاهایی مانند اقسامی از ارتداد که در آن استتابه منتفی است، گروهی از فقها بر این نکته تأکید کرده‌اند که حکم به عدم استتابه به این معنا نیست که اگر شخص توبه کند، توبه او مقبول خداوند قرار نخواهد گرفت (قمی، ۱۴۱۷ق، ۳۷۳/۵؛ جصاص، ۱۴۰۵ق، ۱۲۳/۵). آنچه بر سر آن بحث است، پذیرش توبه نزد خلق است که مهم ترین وجه آن در احکام حقوقی است که مستوجب حد یا تعزیر است. در جایی که توبه اثری حقوقی، اعم از خانواده، مالی یا احکام عبادی دارد، نزد عموم فقها اظهار توبه به منزله توبه است (مفید، ۱۴۱۰ق، ۵۰۴؛ طوسی، بی تا، ۴۵۸). برخی فقها، توبه را بر دو گونه دانسته‌اند: یکی توبه باطنی که فقط میان انسان و خداست؛ و دیگری توبه حکمی که آثار حقوقی بر آن مترتب است (ابن قدامه، ۴۰۴ق، ۱۹۳/۱۰). موضوع دشوار نزد فقها، همین توبه حکمی است؛ زیرا مستوجب اعتماد به تائب است و اگر او در توبه خود صادق نباشد، موجب مفسده اجتماعی یا فردی می شود. از این رو، فقها این موضوع را بررسی کرده‌اند. برای نمونه، درباره توبه محارب، گروهی از فقیهان بر این نکته تأکید کرده‌اند که اظهار توبه از سوی محارب می تواند ناشی از تقیه بوده باشد و عدم مجازات محارب افزون بر اظهار توبه، باید به اصلاح او نیز موکول شود (ابو اسحاق شیرازی، بی تا، ۲۸۶/۲؛ کاشانی، ۱۴۰۶ق، ۹۶/۷؛ ابن هبیره، ۱۳۶۶ق، ۲/۴۲۵؛ نووی، ۱۴۰۵ق، ۱۰/۱۵۹). هم چنین، اگر مردی زنی را به زناکاری بشناسد و با پذیرش اینکه توبه کرده است، تصمیم به ازدواج یا او بگیرد، گروهی از فقها معتقدند که اظهار توبه کافی نیست و لازم است تا صحت توبه آزمایش شود (طوسی، بی تا، ۴۵۸؛ ابن تیمیه، بی تا، ۱۲۵/۳۲؛ بهوتی، ۱۴۰۲ق، ۸۳/۵). در حقوق جزایی بر اساس قاعده «درء»، مبنای پذیرش توبه، اظهار آن است. گروهی از فقها به روشنی از شرط اظهار توبه به جای توبه سخن گفته‌اند (مفید، ۱۴۱۰ق، ۷۸۸؛ طوسی، بی تا، ۶۹۶)، تکیه بر اظهار توبه به جای توبه، خود به خود کنکاش و تجسس از شرایط تحقق توبه را منتفی می کند و حتی گاهی که اصرار بر گناه کبیره‌ای ثابت شده است، باز اظهار توبه، با تحقق شرایطی، می تواند حد را برطرف کند (مفید، ۱۴۱۰ق، ۷۸۸). اندکی از فقها، دوام بر ترک را از شروط توبه و رافع حکم دانسته‌اند و با تکرار آن، حکم برقرار و حد جاری خواهد شد (زرکشی، ۱۴۰۵ق، ۱/۴۲۱؛ عدوی، ۱۳۱۸ق، ۱/۹۹). ولی عموم فقها، پشیمانی از جرم را کافی دانسته و عزم بر بازگشت را از شروط تحقق توبه نمی دانند (علامه حلی، ۱۳۹۹ق، ۶/۴۱۱؛ دسوقی، بی تا، ۱/۳۳۳؛ دمیاطی، بی تا، ۴/۲۹۳؛ جاوی، بی تا، ۳۸۸؛ سیدمرتضی، ۱۴۰۵ق، ۲۶۶). در مباحث حقوقی توبه، یکی از موضوعات مهم شرایط پذیرش توبه درباره حق الناس است. بیشتر فقها — اعم از اهل سنت و امامیه — قائل به وجوب ادای حق الناس پس از تضييع آن‌اند (علامه حلی، ۱۴۱۲ق، ۵/۷۸؛ نووی، ۱۴۰۹ق، ۳۶۶؛ کاشانی، ۱۴۰۶ق، ۷/۹۶؛ عدوی، ۱۳۱۸ق، ۱/۵۰۷؛ آبی، بی تا، ۶۷۹). از دیدگاه فقها، در جرائم حدی و تعزیری نوع جرم، جنسیت مجرم و زمان توبه، بر پذیرش توبه اثرگذار است؛ مانند زمانی که مجرم پیش از اقامه شهادت

نزد حاکم، توبه کند که حد از او برداشته می شود. از دیدگاه بیشتر فقها، اگر مجرم پس از اقامه شهادت توبه کند، حاکم با در نظر گرفتن مصالح مسلمانان در اجرای حد یا عفو، مختار است (ابن بابویه، ۱۴۱۵ق، ۴۳۰-۴۳۱؛ مفید، ۱۴۱۰ق، ۷۷۷، ۷۸۷، ۷۸۸؛ ابن قیم، ۱۹۶۸م، ۱۴۴/۳). گروهی از فقها نیز معتقدند که پس از اقامه شهادت، توبه پذیرفته نیست و حد باید جاری شود؛ ولی اگر توبه بر اساس اقرار ثابت شود، رافع حد است (طوسی، بی تا، ۶۹۶؛ قرطبی، ۱۹۷۲م، ۱۷۵/۶؛ محقق حلی، ۱۴۰۹ق، ۹۴۳/۴، ۹۵۶؛ مرداوی، ۱۴۰۶ق، ۳۰۸/۱۰).

بررسی و تحلیل شیوه نامه احراز توبه

مفهوم توبه، اصلی تأسیسی در قانون مجازات اسلامی است که از مبانی فقهی دریافت شده است. نخستین بار در ماده ۵۲۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵^۱ درباره تأثیر توبه در جرایم تعزیری مواردی مطرح شد و در سال ۱۳۹۲ در مواد ۱۱۴ تا ۱۱۹ قانون مجازات اسلامی به طور مبسوط، شرایط توبه در جرایم مختلف مورد مذاقه قرار گرفت و این روند تکاملی در شیوه نامه توبه که در سال ۱۴۰۳^۲ ابلاغ شد و شرایط پذیرش توبه را مدنظر قرار داد، پیگیری شد. با وجود اهتمام قانون گذار نسبت به اصل توبه برخی موارد در این شیوه نامه بر اساس مبانی فقهی قابل نقد و تحلیل است که در پژوهش حاضر، این مهم مطمح نظر قرار گرفته است. در شیوه نامه توبه که مشتمل بر ۹ ماده است و در تاریخ ۱۴۰۳/۴/۱۰ از سوی ریاست قوه قضاییه ابلاغ شده، نکته هایی قابل نقد و تحلیل است:

۱. در ماده ۱ آمده که توبه حالتی نفسانی است که متضمن توجه و بازگشت انسان به سوی خداست که این قسمت بر تعالیم قرآنی، روایی و فقهی منطبق است (کلینی، ۱۳۹۱ق، ۴۳۴/۲). ولی در ماده ۲ آمده است: «در کلیه جرایمی که توبه مؤثر در مجازات است، چنانچه متهم در هر مرحله از رسیدگی یا محکوم، ادعای توبه کند، می تواند درخواست خود را همراه با قرائن و شواهد به مقام قضایی ارائه کند. هم چنین، رئیس مؤسسه کیفری در صورتی که قرائنی از توبه در متهم یا محکوم مشاهده کند، می تواند مراتب را مستنداً به گزارش مددکار اجتماعی و تأیید شورای طبقه بندی به مقام قضایی اعلام کند.» عبارت «کلیه جرایمی که توبه مؤثر در مجازات است»، خلاف صریح روایات و ادله فقهی است؛ چراکه در همه جرایم، مجرم می تواند توبه کند ولی در پذیرش و شرایط آن و لزوم اینکه حق الناس تضییع شده، باید جبران شود در متون فقهی نمونه هایی ذکر شده است^۳ (علامه حلی، ۱۳۹۹ق، ۴۱۱/۶؛ سیدمرتضی، ۱۴۰۵ق، ۲۶۶؛ حر عاملی، ۱۴۱۶ق، ۳۲۸/۱۸؛ موسوی بجنوردی، ۱۳۸۶، ۳۳۴/۷-).

^۱ ماده ۵۲۱: هرگاه اشخاصی که مرتکب جرایم مذکور در مواد ۵۱۸، ۵۱۹ و ۵۲۰ می شوند، قبل از کشف قضیه، مأمورین تعقیب را از ارتکاب جرم مطلع نمایند، یا در ضمن تعقیب به واسطه اقرار خود موجبات تسهیل تعقیب سایرین را فراهم آورند، یا مأمورین دولت را به نحو مؤثری در کشف جرم کمک و راهنمایی کنند، بنا به پیشنهاد رئیس حوزه قضایی مربوط و موافقت دادگاه و یا با تشخیص دادگاه در مجازات آنان تخفیف متناسب داده می شود و حسب مورد از مجازات حبس معاف می شوند، مگر آنکه احراز شود قبل از دستگیری توبه کرده اند که در این صورت از کلیه مجازاتهای مذکور معاف خواهند شد.

^۲ ماده ۱ شیوه نامه توبه ابلاغ ۱۴۰۳: توبه حالتی نفسانی است که متضمن توجه و بازگشت انسان به سوی خدا پس از ارتکاب رفتار مجرمانه میباشد به گونه ای که مرتکب به زشتی رفتار خویش آگاه و ندامت و اصلاح در رفتار وی مشاهده و بر ترک آن رفتار در آینده مصمم شود و سعی خود را برای اصلاح و جبران خسارت بکار گیرد.

^۳ روایت عبدالله بن سنان از امام صادق (ع) است که ایشان فرمودند: سارق زمانیکه توبه کرد و مال مسروقه را به صاحبش رد کرد، پس دستش بریده

۳۳۸؛ دسوقی، بی تا، ۳۳۳/۱؛ دمیاطی، بی تا، ۲۹۳/۴؛ جاوی، بی تا، ۳۸۸)

۲. یکی از مهم ترین مواد این شیوه نامه که بسیار تأمل برانگیز است، ماده ۵ است. در این ماده شرایط احراز توبه چنین آمده است: «الف) التزام عملی به انجام فرائض دینی...» این عبارت از هیچ یک از مبانی اصیل دینی استنتاج نمی شود و در هیچ یک از آثار فقهی از شرایط پذیرش توبه، التزام به فرائض دینی دانسته نشده است (طوسی، بی تا، ۶۹۶؛ قرطبی، ۱۹۷۲م، ۱۷۵/۶؛ محقق حلی، ۱۴۰۹ق، ۹۴۳/۴، ۹۵۶؛ مرداوی، ۴۰۶ق، ۳۰۰/۱۰). نکته دیگر اینکه با چه معیاری انجام فرائض دینی سنجیده می شود؟ پس در اینجا با ابهاماتی مواجهیم و تبیین آن، ضروری می نماید. «ب) جبران ضرر و زیان ناشی از جرم یا برقراری ترتیبات جبران یا تلاش برای تحصیل گذشت شاکی و یا مدعی خصوصی...» این عبارت بر آرای فقها، منطبق است. از نظر فقیهان، جبران حق الناس و ضرر و زیان خصوصی ضرورت دارد (علامه حلی، ۴۱۲ق، ۷۸/۵؛ نووی، ۱۴۰۹ق، ۳۶۶؛ نووی، ۱۴۰۵ق، ۹۱/۲؛ کاشانی، ۱۴۰۶ق، ۹۶/۷؛ عدوی، ۱۳۱۸ق، ۵۰۷/۱؛ آبی، بی تا، ۶۷۹). «پ) اظهار ندامت و تعهد کتبی مبنی بر عدم ارتکاب جرم، به ویژه چنانچه ندامت خود را به نحوی اعلام نماید...» اظهار ندامت و عدم ارتکاب مجدد از دیدگاه برخی از فقها از شرایط پذیرش توبه است (سیدمرتضی، ۴۰۵ق، ۲۶۶؛ زرکشی، ۴۰۵ق، ۴۲۱/۱؛ عدوی، ۱۳۱۸ق، ۹۹/۱) و از دیدگاه گروهی دیگر، اظهار ندامت و عدم ارتکاب شرط نیست (علامه حلی، ۳۹۹ق، ۴۱۱/۶؛ دسوقی، بی تا، ۳۳۳/۱؛ دمیاطی، بی تا، ۲۹۳/۴؛ جاوی، بی تا، ۳۸۸) ولی از آنجا که در محاکم قضایی، به دلیل تعدد قوانین، آراء و نظرات و استنباط های قضات و نمایندگان قضایی در اثبات و ارائه حکم مبتنی

نمی شود. روایت دیگر روایت جمیل از امام باقر (ع) در مورد مردی است که سرقت کرده یا شراب نوشیده و یا زنا کرده است. از حضرت سوال شد که اگر کسی بر او آگاهی نیابد و او دستگیر هم نشود تا اینکه توبه کند و اصلاح شود، پس امام فرمودند، زمانیکه اصلاح شد، حد بر او جاری نمی شود. اکثر فقهاء بر مساله توبه ادعای اجماع کرده و آن را مورد پذیرش قرار داده اند. در اصل وجوب توبه مخالفتی در میان فقهاء دیده نمی شود لکن اختلاف در وجوب توبه تنها بر سر این است که آیا وجوب آن ارشادی است یا مولوی. به این معنی که در صورت ارشادی بودن وجوب توبه ارشاد به حکم عقل است و در صورت مولوی بودن ناظر بر ثواب و عقاب است (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۶، ۳۳۴/۷-۳۳۸).
ماده ۵ شیوه نامه توبه ابلاغ ۱۴۰۳: مقام قضایی به منظور احراز توبه ندامت و اصلاح مرتکب مواردی از قبیل بندهای ذیل که غالباً حاکی از^۴ صحت ادعای توبه است را مورد توجه قرار می دهد:

الف - التزام عملی به انجام فرائض دینی

ب - جبران ضرر و زیان ناشی از جرم یا برقراری ترتیبات جبران یا تلاش برای تحصیل گذشت شاکی یا مدعی خصوصی

پ- اظهار ندامت و تعهد کتبی مبنی بر عدم ارتکاب جرم به ویژه چنانچه ندامت خود را به نحوی اعلام نماید

ت- همکاری موثر مرتکب در کشف جرم یا معرفی شرکاء یا معاونین جرم

ث- تعهد به خودداری از ارتباط و معاشرت با اشخاص شرور شرکاء و معاونین جرم

ج - ارائه خدمات عام المنفعه یا مشارکت در امور خیر

چ اقدام به درمان و ترک اعتیاد

ح - گزارش کتبی مددکار اجتماعی مبنی بر اصلاح رفتار مرتکب

^۵ برخی چون سید مرتضی، توبه را اینگونه تعریف می کنند: «الندم علی المعصیه لأنها معصیه، والعزم علی ان لا یعود علی مثلها» و عزم بر ترک و عدم تکرار را از شرایط توبه می دانند ولی برخی دیگر، چون علامه حلی، در جهت تبیین دیدگاه اکثریت، با ارجاع به مباحثات متکلمان در باب توبه، بر این نکته تأکید کرده که در توبه پشیمانی بر عمل پیشین کافی است و در تحقق آن عزم بر ترک بازگشت لازم نیست.

بر ادله فقهی و قانونی، وحدت رویه ضرورت دارد و پشیمانی و ندامت مجرم باید از طریقی برای قاضی مشخص شود، بنابراین تنظیم این بند، قابل دفاع بوده و بر ادله فقهی و عقلی منطبق است. دنباله این ماده چنین است: «ت) همکاری مؤثر مرتکب در کشف جرم یا معرفی شرکا یا معاونان جرم؛ ث) تعهد به خودداری از ارتباط و معاشرت با اشخاص شرور، شرکا و معاونان جرم؛ ج) ارائه خدمات عام‌المنفعه یا مشارکت در امور خیر؛ چ) اقدام به درمان و ترک اعتیاد؛ ح) گزارش کتبی مددکار اجتماعی مبنی بر اصلاح رفتار مرتکب.» آنچه یاد شد، بر راهکارهای عملی روند اصلاح مجرمان دلالت می‌کند، ولی چگونگی انطباق آن‌ها بر اصول شرعی تأمل‌برانگیز است؛ زیرا در آرای فقهی در شرایط پذیرش توبه، نوع جرم، زمان توبه و درنهایت تلاش برای عدم تکرار جرم مدنظر قرار گرفته است (ابن‌بابویه، ۱۴۱۵ق، ۴۳۰-۴۳۱؛ مفید، ۱۴۱۰ق، ۷۷۷، ۷۸۷، ۷۸۸؛ ابن‌قیم، ۱۹۶۸م، ۱۴۴/۳).

۳. در مواد ۶ تا ۹ شیوه‌نامه نیز به احراز توبه نگریسته شده است.^۶ در ماده ۸ چنین آمده است: «مقام قضایی در اجرای ماده ۱۱۷ از قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲، به مدعی توبه تفهیم می‌کند که چنانچه پس از اعمال مقررات راجع به توبه ثابت گردد که تظاهر به توبه کرده است، سقوط مجازات و تخفیف‌های در نظر گرفته شده ملغی و وی حسب مورد به مجازات حدی یا به حداکثر مجازات تعزیری محکوم می‌شود». اینکه در جرایم گوناگون شیوه برخورد با مجرم باید متفاوت باشد در قسمت پایانی ماده ذکر شده است. این ماده نیز مانند نمونه‌های دیگر این شیوه‌نامه، بر دیدگاهی منطبق است که عدم ارتکاب مجدد جرم را از شرایط پذیرش توبه می‌داند (ابن‌بابویه، ۱۴۱۵ق، ۴۳۱-۴۳۰؛ ابن‌قیم، ۱۹۶۸م، ۱۴۴/۳)، ولی این نظر مطلق نیست و بخش بزرگی از فقها و محدثان اظهار توبه را مؤثر می‌دانند (شافعی، بی‌تا، ۱۶۸/۱؛ مفید، ۱۴۱۰ق، ۵۰۴؛ طوسی، بی‌تا، ۴۵۸). مواد ۶ تا ۸ شیوه‌نامه، ناظر به اصول کلی پذیرش توبه است که در قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲، آمده است. در مجموع آنچه از بررسی آرای فقها پیرامون شرایط پذیرش توبه به دست می‌آید، آن است که نوع جرم که حدی یا تعزیری باشد، زمان توبه تأتب که پیش از شهادت بوده یا پس از آن در پذیرش توبه مؤثر است و این نکته در برخی از مواد شیوه‌نامه احراز مغفول مانده است و برخی شرایط نیز بر ضوابط حقوقی حاکم بر محاکم قضایی مبتنی است و اصالت قرآنی، روایی و فقهی ندارد.

^۶ ماده ۶-۹ شیوه نامه توبه ابلاغ ۱۴۰۳:

ماده ۶: مقام قضایی مربوط خارج از نوبت با ملاحظه مواردی نظیر پرونده شخصیت پرونده رفتاری و نظر نهادهای مذکور در ماده ۳ شیوه نامه به موضوع رسیدگی و در صورت احراز توبه قرائن و امارات مربوط را در تصمیم خود درج می‌کند.

ماده ۷: در جرائم حدی چنانچه توبه مؤثر در مجازات باشد و مرتکب بعد از قطعیت حکم، مدعی توبه باشد. مراتب توسط دادستان یا موسسه کیفری بررسی و در صورت وجود شواهد و قرائن بر توبه وی مراتب به دادگاه صادر کننده حکم اعلام میشود. چنانچه از نظر دادگاه توبه وی محرز باشد مراتب به معاون قضایی قوه قضاییه اعلام و رونوشت به مرجع مجری حکم داده میشود معاون قضایی نتیجه را جهت اخذ تصمیم مقتضی به رئیس قوه قضاییه اعلام می‌کند.

ماده ۸: مقام قضایی در اجرای ماده ۱۱۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به مدعی توبه تفهیم میکند که چنانچه پس از اعمال مقررات راجع به توبه ثابت گردد که تظاهر به توبه کرده است، سقوط مجازات و تخفیف‌های در نظر گرفته شده ملغی و وی حسب مورد به مجازات حدی یا به حداکثر مجازات تعزیری محکوم میشود.

ماده ۹: مسئولیت حسن اجرای این شیوه نامه بر عهده دادستان کل کشور است.

نتیجه گیری

از پژوهش پیش رو نتایج زیر به دست می آید:

۱. در قرآن و روایات معصومان(ع) بر مفهوم بازگشتن برای توبه تأکید شده و شرط پذیرش آن، اظهار توبه از سوی مجرم و گناهکار معرفی شده است.
۲. بر اساس این پژوهش، در فقه اهل سنت و امامیه درباره پذیرش توبه دو دیدگاه برجسته شده است: الف) برخی از فقها قائل به پذیرش توبه در جرایم، صرف اظهار توبه بوده و عدم ارتکاب مجدد را از شروط پذیرش نمی دانند؛ ب) گروهی دیگر، عدم ارتکاب و تعهد تائب نسبت به جبران مافات را از شروط پذیرش توبه دانسته و پذیرفتن توبه از سوی حاکم را منوط به احراز آن می دانند.
۳. در شیوه نامه احراز توبه، ملاک، احراز آن است، نه اظهار. این احراز با مواد هشتگانه ای که در ماده ۵ آمده، واقع می شود. برخی از مواد این ماده بر نظر همان گروه از فقها منطبق است که عدم ارتکاب مجدد و تعهد و در نتیجه احراز توبه را شرط دانسته اند، و مواد دیگر نیز متأثر از قواعد حاکم بر محاکم قضایی است.

پیشنهادهای

۱. مهم ترین پیشنهاد پژوهش پیش رو ناظر به انجام دادن پژوهش های میدانی با رویکرد جامعه شناسی، روانشناسی، علوم تربیتی و حقوقی نسبت به عملکرد مجرمان در مواجهه با شیوه نامه احراز توبه است.
۲. بررسی جنبه های نظری فقهی که بر اهمیت جایگاه اظهار توبه تأکید کرده و تحلیل رویکرد دستگاه قضایی در شرایط کنونی که احراز بر اظهار غلبه دارد.
۳. آسیب شناسی شیوه نامه احراز پس از مدت یک سال اجرا، بررسی و تحلیل جنبه های گوناگون آن و اصلاح نقاط ضعف و ارائه مدلی تازه در صورت نیاز.

منابع

- آبی، صالح (بی تا). *الثمر الدانی شرح رساله ابن ابی زید القيروانی*. بیروت، المكتبة الثقافية.
- آمدی، علی (۱۳۹۱ق/۱۹۷۱م). *غایه المرام فی علم الکلام*، به کوشش محمود عبداللطیف. قاهره.
- ابن هبیره، یحیی (۱۳۶۶ق/۱۹۴۷م). *الافصاح عن معانی الصحاح*، به کوشش محمد راغب طباح. حلب.
- ابن بابویه، محمد (۱۴۱۵ق). *المقنع*. قم.
- ابن تیمیه، احمد (بی تا). *کتب و رسائل و فتاوی*، به کوشش عبدالرحمان محمد قاسم نجدی. بیروت، مکتبه ابن تیمیه.
- ابن حجر عسقلانی، احمد (۱۳۷۹ق). *فتح الباری ب شرح صحیح البخاری*. به کوشش محمد فؤاد عبدالباقی و محب الدین خطیب. بیروت.
- ابن سیده، علی بن اسماعیل (بی تا). *المحکم و المحيط الاعظم*. بیروت، دار الکتب العلمیه.
- ابن فارس، احمد بن فارس (بی تا). *معجم مقانیس اللغة*. قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن قدامه، عبدالله (۱۴۰۴ق/۱۹۸۴م). *المغنی*. بیروت.
- ابن قیم جوزیه، محمد (۱۹۶۸م). *اعلام الموقعین عن رب العالمین*. به کوشش طه عبدالرئوف سعد. قاهره.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (بی تا). *لسان العرب*. بیروت، دار صادر.
- ابن جوزی، عبدالرحمان (۱۴۰۴ق). *زاد المسیر فی علم التفسیر*. بیروت.
- ابن عبدالسلام، عبدالعزيز (بی تا). *قواعد الاحکام فی مصالح الامام*. بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابن فورک، محمد (۱۹۸۶م). *مجرد مقالات ابی الحسن الأشعری*. به کوشش دافیل ژیماره. بیروت.
- ابن ماجه، محمد (۱۹۵۳-۱۹۵۲م). *السنن*. به کوشش محمد فؤاد عبدالباقی. قاهره.
- ابواسحاق شیرازی، ابراهیم (بی تا). *المهذب فی فقه الامام الشافعی*. بیروت، دارالفکر.
- ابوهلال عسکری، حسن (۱۳۵۳ق). *الفروق اللغویه*، قاهره.
- احمد بن حنبل (۱۳۱۳ق). *مسند*. قاهره.
- ازهری، محمد بن احمد (بی تا). *تهذیب اللغة*. بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- بغدادی، عبدالقاهر (۱۹۷۷م). *الفرق بین الفرق*، بیروت.
- بهوتی، منصور (۱۴۰۲ق). *کشاف القناع عن متن الاقناع*. به کوشش هلال مصیلحی مصطفی هلال. بیروت.
- ترمذی، محمد (۱۳۵۷ق/۱۹۳۸م). *السنن*. به کوشش احمد محمد شاکر و دیگران. قاهره.
- جوی، محمد (بی تا). *نهایه الزین فی ارشاد المبتدئین*. بیروت، دارالفکر.
- جرجانی، علی (۱۳۲۵ق/۱۹۰۷م). *شرح المواقف*. قاهره.
- جصاص، احمد (۱۴۰۵ق/۱۹۸۵م). *احکام القرآن*. به کوشش محمد صدیق قمحاوی. بیروت.
- جوهری، اسماعیل (۱۳۷۶ق/۱۹۵۶م). *صحاح*. به کوشش احمد عبدالغفور عطار. قاهره.
- جوینی، عبدالملک (۱۴۰۵ق/۱۹۸۵م). *الارشاد الی قواطع الادله فی اصول الاعتقاد*. به کوشش اسعد تمیم. بیروت.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق). *وسائل الشیعه*. قم. مؤسسه آل البيت.

- خطیب بغدادی، احمد (۱۳۴۹ق). تاریخ بغداد. قاهره.
- خمینی، روح الله (۱۴۱۳ق). چهل حدیث. تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- دسوقی، محمد (بی تا). حاشیه الدسوقی علی الشرح الكبير. به کوشش محمد علیش. بیروت، دارالفکر.
- دمیاطی، ابوبکر (بی تا). اعانه الطالبین علی حل الفاظ فتح المعین. بیروت، دارالفکر.
- راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۲ق/۱۹۹۲م). مفردات الفاظ القرآن. به کوشش صفوان عدنان داوودی. دمشق/بیروت.
- زرکشی، محمد (۱۴۰۵ق). المنشور فی القواعد. به کوشش تیسیر فائق احمد محمود. کویت.
- زمخشری، محمود بن عمر (بی تا). اساس البلاغه. بیروت، دار صادر.
- ساکی، نانسې؛ ساعدی، کوثر. توبه و آثار آن در اندیشه امام علی (ع) از منظر نهج البلاغه. پنجمین همایش ملی پژوهش های نوین در حوزه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی ایران.
- سراج، عبدالله (۱۳۸۰ق). اللمع فی التصوف. به کوشش عبدالحلیم محمود و عبدالباقی سرور. قاهره.
- سهروردی، عمر (۱۴۰۳ق). عوارف المعارف. بیروت.
- سیدمرتضی، علی (۱۴۱۵ق). الانتصار. قم.
- سیدمرتضی، علی (۱۴۰۵ق). الحدود و الحقائق. به کوشش احمد حسینی. قم.
- شافعی، محمد (بی تا). الام. بیروت، دارالمعرفه.
- شهید ثانی، زین الدین (۱۴۱۳ق). مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام. قم.
- طبرسی، فضل (۱۴۱۵ق). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت.
- طبری، محمد (۱۴۰۵ق). جامع البیان عن تأویل آی القرآن. بیروت.
- طوسی، محمد (۱۳۸۳ق/۱۹۶۴م). التبیان فی تفسیر القرآن. به کوشش قصیر عاملی. نجف.
- طوسی، محمد (بی تا). النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی. بیروت، دار الانبیا.
- عدوی، علی (۱۳۱۸ق). حاشیه علی شرح الخرشی علی مختصر خلیل. با شرح خرشی. قاهره.
- علامه حلی، حسن (۱۳۹۹ق/۱۹۷۹م). کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد. به کوشش ابراهیم موسوی زنجانی. بیروت.
- علامه حلی، حسن (۱۴۱۲ق). مختلف الشیعه فی احکام الشریعه. قم.
- غزالی، محمد (۱۹۸۶م). التوبه الی الله و مکفرات الذنوب. بیروت.
- غزالی، محمد (۱۳۱۹ش). احیاء علوم الدین. بیروت، مؤسسه الرساله.
- فتلاوی، مهدی (بی تا). التوبه و التائبون. قم، مکتبه الامام الحسن.
- فخرالدین رازی، محمد (بی تا). التفسیر الكبير (مفاتیح الغیب). قاهره، المطبعه البهیة.
- فضائلی، محمد حسین (۱۳۹۵). مبانی کلامی و فقهی توبه در حقوق کیفری اسلام. فصلنامه دیدگاه های حقوق قضایی، شماره ۷۳ و ۷۴، ۷۳-۱۰۰.
- قاضی عبدالجبار (۱۳۸۵ق/۱۹۶۵م). المغنی فی ابواب التوحید و العدل. به کوشش مصطفی سقا و دیگران. قاهره.
- قرطبی، محمد (۱۹۷۲م). الجامع لاحکام القرآن. به کوشش احمد عبدالعلیم بردونی. قاهره.
- قشیری، عبدالکریم (بی تا). الرساله التشرییه. به کوشش عبدالحلیم محمود و محمود بن شریف. قاهره، مکتبه محمدعلی صبیح.
- قمی، ابوالقاسم (۱۴۱۷ق). غنائم الايام فی مسائل الحلال و الحرام. به کوشش عباس تبریزیان. مشهد.

- کاشانی، ابوبکر (۱۴۰۶ق/۱۹۸۶م). *بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع*. قاهره.
- کردستانی، ابوالقاسم (۱۳۹۹ش). *توبه و استغفار از دیدگاه قرآن و روایات*. تهران، انتشارات مفید.
- کلینی، محمد (۱۳۹۱ق). *الکافی*. به کوشش علی اکبر غفاری. تهران.
- ماتریدی، محمد (۱۴۰۴ق). *تأویلات اهل السنه*. به کوشش محمد مستفیض الرحمان. بغداد.
- محاسبی، حارث (۱۹۸۶م). *الوصایا*. به کوشش عبدالقادر احمد عطا. بیروت.
- محقق حلی، جعفر (۱۴۰۹ق). *شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*. به کوشش صادق شیرازی. تهران.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۹۵ش). *فرهنگنامه توبه*. قم. انتشارات دار الحديث.
- مرداوی، علی (۱۴۰۶ق/۱۹۸۶م). *الانصاف فی معرفه الراجح من الخلاف*. به کوشش محمد حامد فقی. بیروت.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۷ش). *توبه*. تهران، انتشارات صدرا.
- مفید، محمد (۱۴۱۰ق). *المقنعه*. قم.
- موسوی بجنوردی، محمد حسن (۱۳۸۶). *القواعد الفقهیه*. تهران. دلیل ما.
- نجفی، محمد حسن (۱۳۹۴ق). *جواهر الکلام*. به کوشش محمود قوچانی. تهران.
- نووی، یحیی (۱۴۰۹ق/۱۹۸۸م). *الاذکار النوویه*. به کوشش محیی الدین شامی. بیروت.
- نووی، یحیی (۱۴۱۷ق/۱۹۹۶م). *المجموع شرح المہذب*. به کوشش محمود مطرحی. بیروت.
- نووی، یحیی (۱۴۰۵ق). *روضه الطالبین و عمدہ المفتین*. بیروت.
- یوسفی تازه کندی، عباس؛ شهرکی، حدیث (۱۳۹۹ش). *استغفار و توبه از منظر قرآن و نهج البلاغه*. سومین همایش کنفرانس بین المللی علوم اسلامی و پژوهش های دینی حقوق.

مقاله‌ها

- آقاپور، علی؛ پورجمال. یعقوب (۱۴۰۰). جایگاه نهاد توبه در سقوط مجازات حد از منظر فقه و قانون. فصلنامه علمی فقه و حقوق نوین. سال دوم. شماره ۸. ۲۸-۴۷.
- حاجی ده‌آبادی، احمد؛ رجبی، محمد (۱۳۹۴). تأملی بر مقررات توبه در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲. فصلنامه حقوق اسلامی، سال دوازدهم، شماره ۴۶.
- صابر، محمود؛ رفیع‌زاده. علی (۱۳۹۴). مقررات ماهوی و شکلی توبه در نظام قانون گذاری کیفری ایران. فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضائی، شماره ۷۱، ۷۳-۹۴.
- طاهری، محمد علی؛ امینی، جهاندار (۱۳۹۳). توبه مجرم در فقه مقارن و حقوق جزا. فصلنامه مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی، سال نهم، شماره ۳۵.

References:

- Abi,Saleh,(No Date),Al-samar al-dani, Beirut.(In Persian)
- Amedi, Ali, (1971), Qayat al maram, Cairo.(In Persian)
- Ibn Hobyreh, Yahya, (1947), Al-Ifsah, Halab.(In Persian)
- Ibn-Babveyh, Mohammad, (1415A.H), Al-Moghneh, Qom.(In Persian)
- Ibn-Teymyeh, Ahmad,(No Date), Kotob, Beirut.(In Persian)

-Ibn Hajar, Ahmad, (1379 A.H), Fath al Bary, Beirut.(In Persian)
 -Ibn Sideh, Ali, (No Date), Al mohkam, Beirut.(In Persian)
 -Ibn Fares, Ahmad, (No Date), Mojam, Qom.(In Persian)
 -Ibn Qodameh, Abdollah, (1984), Almoghny, Beirut.(In Persian)
 -Ibn Manzur, Mohammad, (No Date), Lisan Al Arab, Beirut.(In Persian)
 -Ibn Jozy, Mohammad, (No Date), Zad al masir, Beirut.(In Persian)
 -Ibn Majeh, Mohammad, (1952), Al Sunan, Cairo.(In Persian)
 -Abu Helal, Hasan, (1353A.H), Al forugh, Cairo.(In Persian)
 -Ahmad Ibn Hanbal, (1313A.H), Almusnad, Cairo.(In Persian)
 -Azhari, Mohammad, (No Date), Tahzib, Beirut.(In Persian)
 -Baqdadi, Abd alqaher, (1977), Al Farq, Beirut.(In Persian)
 -Bahuti, Mansour, (1402A.H), Kashshaf al qenaa, Beirut.(In Persian)
 -Termazi, Mohammad, (1938), Al Sunan, Cairo.(In Persian)
 -Javi, Mohammad, (No Date), Nehayah, Beirut.(In Persian)
 -Johari, Ismaeil, (1956), Al seah, Cairo.(In Persian)
 -Khatib, Ahmad, (1349A.H), Tarikh Baqdad, Cairo.(In Persian)
 -Dusughi, Mohammad, (No Date), Hashiyeh Al dusughi, Beirut.(In Persian)
 -Ragheb, Hossein, (1992), Mufradat, Beirut.(In Persian)
 -Seraj, Abdollah, (1380A.H), Al loma, Cairo.(In Persian)
 -Sohravardi, Omar, (1403 A.H), Avaref, Beirut.(In Persian)
 -Seyyed Murteza, Ali, (1415 A.H), Al Intesar, Qom.(In Persian)
 - Seyyed Murteza, Ali, (1405 A.H), Al Hudud, Qom.(In Persian)
 -Shafei, Mohammad, (No Date), Al Um, Beirut.(In Persian)
 -Shahid Sani, Zein Al din, (1413A.H), Masalek, Qom.(In Persian)
 -Tabarsi, Fazl, (1415A.H), Majma Al Bayan, Beirut.(In Persian)
 -Tabari, Mohammad, (1405A.H), Jami Al Bayan, Beirut.(In Persian)
 -Tusi, Mohammad, (1964), Al Ttebyan, Najaf.(In Persian)
 - Tusi, Mohammad, (No Date), Al Nehayah, Beirut.(In Persian)
 -Advi, Ali, (1318 A.H), Hashiyeh, Cairo.(In Persian)
 -Allameh Helli, Hasan, (1979), Kashf al Morad, Beirut.(In Persian)
 - Allameh Helli, Hasan, (1412A.H), Mokhtalef al Shia, Qom.(In Persian)
 -Qazali, Mohammad, (1319), Ihya al olum, Beirut.(In Persian)
 -Fakhr al din, Mohammad, (No Date), Al Tafsir al Kabir, Cairo.(In Persian)
 -Qazi Abduljabbar, (1965), Almoqny, Cairo.(In Persian)
 -Qurtubi, Mohammad, (1972), Aljami, Cairo.(In Persian)
 -Qushairy, Abdollah, (No Date), Alresaleh, Cairo. (In Persian)
 -Qomi, Abdolqasem, (1417A.H), Qanaem al Ayyam, Mashhad.(In Persian)
 -Kashani, Abubakr, (1986), Badaea, Cairo.(In Persian)
 -Kulaini, Mohammad, (1391 A.H), Al kafi, Tehran.(In Persian)
 -Materidi, Mohammad, (1404A.H), Taavilat, Baqdad.(In Persian)
 -Mohasebi, Hares, (1986), Alvasaya, Beirut.(In Persian)
 -Mohaqeq Helli, jafar, (1409 A.H), Sharaye al Islam, Tehran.(In Persian)
 -Mardavi, Ali, (1986), Al Insaf, Beirut.(In Persian)
 -Motahari, Morteza, (1397), Tobeh, Tehran.(In Persian)
 -Mofid, Mohammad, (1410 A.H), Al moqneh, Qom.(In Persian)
 -najafi, Mohammad hasan, (1394A.H), Javaher al Kalam, Tehran.(In Persian)

- Navavy, Yahya, (1988), Alazkar, Beirut.(In Persian)
- Navavy, Yahya, (1996), Almajmue, Beirut.(In Persian)
- Navavy, Yahya, (1405A.H), Rozaht al Talebin, Beirut.(In Persian)
- Yusefi, Abbas, Shahreki, Hdis, (1399), Forgiveness & Repentance In perspective of Quran & Nahj al balagheh.
- Zarkeshi, Mohammad, (1405A.H), Al mansur, Kuwait.(In Persian)

مقاله
پنیر فته شده